

« مهمترین خطر » و « عامل اصلی » گرفتاریها و « تنگناهای » زندگی انسان چیست؟

با این همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی و فعالیت‌های فرهنگی و هنری و افزایش سواد، کتاب، مقاله و سخنرانی، متأسفانه « مشکلات خانوادگی، نابسامانی‌های اقتصادی و تنش‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی در جهان » نیز هر روز « بیشتر و عمیق‌تر و پیچیده‌تر » می‌شوند.

به نظر شما علت چیست؟

پاسخ قرآن اینست که مردم « از یاد خدا، رویگردانند » و به « هشدارهای » خدا « توجهی ندارند »:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه/۱۲۴)

(و هر که از یاد من دل بگرداند زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و روز قیامت نابینا محسورش می‌کنیم.)

فردی « غرق در مشکلات » از روی « عادت » و بدون « درک و فهمی » لب می‌جنباند. « پیری » از

او پرسید: چه می‌کنی؟ او گفت: « ذکر » می‌گویم تا مشکلاتم برطرف شوند. پرسید: « ذکر چیست؟ » او

گفت یعنی: « یاد. » پیر پرسید؟ « که را یاد می‌کنی؟ » گفت: « خدا » را یاد می‌کنم. پیر پرسید: مگر او

را دیده‌ای؟ و خدا را می‌شناسی؟ یا بدون اینکه او را دیده باشی او را « یاد » می‌کنی؟ او پرسید: مگر

خدا را می‌توان « دید؟ » پیر گفت: اگر ندیدی پس « تصورات و توهمات ذهنی » را « مرور » می‌کنی.

پرسید: « ذکر چیست؟ » پیر گفت: اینکه از « توجه به خود و مخلوق، صرف‌نظر » کنی و تحت تأثیر

« ظاهر » چیزی قرار نگیری تا « حق » برایت « نمایان » شود و خود را « فقط با خدا » طرف بینی.

در آن صورت آسمان، زمین، همسر، فرزند، دوست، دشمن و همه مخلوقات را « آیت خدا » و مشکلات را

« آزمون الهی و رحمت و فرصت رشد خود » و همه چیز را « زیبا » می‌بینی و با هر چیزی « ذاکر »

می‌شوی و در هر شرائطی مثل حوادث عاشورا و مقابل یزید، « احساس تنهایی و ناتوانی » نمی‌کنی و

صدای « حق طلبانه » تو برای گفتن « یابن الطلقاء » به جنایتکار پلیدی مثل یزید، « نمی‌لرزد » و قدم

تو برای « حمایت از حق طلبان » در هیچ شرائطی « نمی‌لغزد » و هیچ « آخم، لب‌خند، تطمیع، تهدید،

تمسخر، استهزاء، تحریم و توطئه‌های فریبنده دشمن » نیز در تو کمترین تأثیری نخواهد داشت.

پس « عبادات » باید ما را به « خدا باوری عملی » برساند زیرا « شش‌هزار سال عبادت بی‌توجه »،

انسان را « ذاکر » نمی‌کند و (مانند ایلیس) از جهنم سوزان مقایسه، حسادت، حرص و سایر رذائل نمی‌رهاند.

خدایا! بعد از یکماه « اِمساک » و « اِحیاء » ما را از هر « تنگنایی » برهان و به « قلّه ذاکرین » برسان.